

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اولیا در امور مدارس در همدان

دکتر علی محمد قدسی^۱، دکتر اسماعیل بلالی^۲ و ندا لطیفی پاک^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱/۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۹

چکیده:

کارکرد مدرسه به عنوان یکی از نهادهای آموزشی و تربیتی، تعلیم و تربیت است که بدون مشارکت اولیا قابل تحقق نیست. در این راستا پژوهش حاضر مشارکت اولیا را به عنوان یک کنش اجتماعی (از منظر جامعه‌شناسی) در نظر می‌گیرد و هدف کلی آن شناسایی وضعیت مشارکت اولیا و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می‌باشد. روش این پژوهش پیمایش است و نمونه شامل ۲۵۰ نفر از اولیای ۱۲۸۲۰ دانش‌آموز دختر مقطع دوم متوسطه‌ی همدان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است. در سطح رفتاری، ارتباط مشارکت اولیا در شش بعد: امور اجتماعی، پرورشی، آموزشی، ارتباط خانه و مدرسه، ارتباط با کارکنان و دانش‌آموزان، امور مالی با متغیرهای اعتماد نهادی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بی‌قدرتی، باورهای قالبی، تمایل فردی و خودآثربخشی بررسی می‌گردد. بر مبنای نتایج پژوهش متغیرهای اعتماد نهادی، تمایل فردی و خودآثربخشی رابطه‌ی مستقیم و معنادار و متغیر بی‌قدرتی رابطه‌ی معکوس و معنادار با میزان مشارکت اولیا دارد، این در حالیست که متغیرهای باورهای قالبی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه‌ی معناداری با مشارکت اولیا ندارند و ۱۶ درصد از تغییرات مشارکت اولیا با متغیرهای اعتماد نهادی و خودآثربخشی توضیح داده می‌شود. کم‌ترین میزان مشارکت در زمینه‌ی مشارکت مالی و بیش‌ترین میزان؛ مربوط به امور آموزشی است.

مفاهیم کلیدی: مشارکت اولیا، اعتماد نهادی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، خودآثربخشی، بی‌قدرتی، باورهای قالبی، مدرسه

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) mamghodsi@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان balali_e@yahoo.com

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان n.latifi99@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

آموزش و پرورش زیربنای توسعه‌ی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و به‌عنوان یک نهاد اجتماعی اساسی، نقشی حائز اهمیت و بی‌بدیل در جامعه‌پذیری و تربیت نیروی انسانی دارد، به گونه‌ای که تأثیر توجه بیشتر به تعلیم و تربیت، متوجه‌ی جامعه و خانواده است و آینده‌ی کشور در آئینه‌ی آموزش و پرورش امروز قابل مشاهده است.

در جوامع جدید، مدرسه یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که در کنار خانواده مهم‌ترین کانون تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ جزو کارکردهای مدرسه محسوب می‌شوند، اما برای موفقیت مدارس در امر تعلیم و تربیت همکاری و هماهنگی بین دو نهاد خانه و مدرسه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود (رجائی‌پور، ۱۳۷۸: ۲۸). چون مدرسه قادر نیست چنین مسئولیتی را بدون شناخت خانواده و بدون تکیه بر امکانات و توانایی‌های اولیا و همکاری آنان در تقویت امکانات آموزشی و تربیتی مدرسه به عهده بگیرد، مشارکت خانه و مدرسه و آگاهی‌هایی که متعاقب این همکاری برای اولیا و مدرسه ایجاد خواهد شد برای آموزش و تربیت فرزندان مهم بوده، همچنین همکاری‌های یاد شده موجبات پیشگیری از ناهنجاری‌های جامعه را فراهم خواهد ساخت.

مشارکت عاملی برای درهم شکستن موانع رشد و پیشرفت و ایجاد فضای مناسب جهت رشد و تعالی می‌گردد و به‌عنوان راهبردی به حساب می‌آید که فرصت‌های مناسبی خلق می‌کند تا مردم برای از میان برداشتن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه دست پیدا کنند (طوسی، ۱۳۷۰: ۶). مشارکت والدین در امور مدارس شامل طیف وسیعی از انواع زمینه‌هاست که می‌تواند شامل مشارکت در عرصه‌های آموزشی، انضباطی، مالی، فرهنگی و اجتماعی بوده و به‌طور مستقیم (با حضور در مدرسه) و یا غیر مستقیم (در محیط بیرون از مدرسه) انجام شود (گونزالز^۱، ۲۰۰۵).

سابقاً وظیفه‌ی مدارس منحصر به انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان تلقی می‌شد، اما به علت وجود تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی و تغییراتی که در ارزش‌ها و روش‌های زندگی در جوامع پدید آمده انتظار می‌رود، مدرسه علاوه بر انتقال دانش و فرهنگ خود را ضامن رشد اجتماعی، عاطفی و سلامت و بهداشت روانی دانش‌آموزان نیز می‌داند؛ بدین جهت ضرورت مشارکت نهاد خانواده به‌عنوان رکن سهیم در فرایند تعلیم و

^۱ Gonzalez

تربیت در بهبود شرایط آموزشی، فرهنگی و تربیتی و در تحول آفرینی نظام آموزش و پرورش بیش از پیش آشکار می‌گردد.

از مسائل اساسی آموزش و پرورش برخی کشورها عدم وجود رابطه و ارتباطات نزدیک و لازم بین مدرسه و خانواده می‌باشد. سیستم آموزشی ما نیز اگر چه قدم‌هایی در از پیش پا برداشتن این مشکل در سال‌های اخیر برداشته است، از این نقص مبری نشده است (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۱۷۲). به همین جهت بر اساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از اهداف کلان «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی بویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» تعیین شده است (شهرزاد بخشایش، ۱۳۹۱: ۲۵).

حال سؤال پژوهش این است که در شرایطی که با تغییر کارکرد مدارس مواجه‌ایم، به طوری که مدرسه باید پاسخگوی نیازهای جسمی، شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان باشد و برای دستیابی به این مهم نیازمند مشارکت چندبعدی اولیا است، چه عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت اولیا در امور مدارس تأثیرگذار است؟

پژوهش حاضر از میان مقاطع مختلف تحصیلی، در بین اولیای مقطع متوسطه دوم انجام شده، چون این مقطع دانش‌آموزان در مرحله نوجوانی هستند و در روند رشد تحصیلی، اجتماعی و بهداشت روانی توجه به مسائلی همچون بلوغ و انحراف جنسی، انحرافات اجتماعی، افت تحصیلی و اختلالات روانی مثل پرخاشگری و انزوا حائز اهمیت است و نوجوان در این دوره به ارزش‌هایی دست می‌یابد که در سال‌های قبل برایش مطرح نبوده، همچنین باتوجه به اینکه دانش‌آموزان ساعات قابل توجهی از روز را در مدرسه سپری می‌کنند، خانواده با ارائه بسیاری از اطلاعات مربوط به ویژگی‌های رفتاری کودکان و نوجوانان می‌تواند مدرسه را به صورتی مؤثر در جهت شناخت مسائل تربیتی و چاره‌جویی آن‌ها یاری دهد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

یافته‌های پژوهش احمدی و بایستی (۱۳۷۸)، پیرامون «بررسی شیوه‌های مشارکت مؤثر مردم در مسائل آموزش و پرورش نواحی چهارده گانه شیراز از نظر معلمان و استادان» نشان می‌دهد آگاه شدن اولیا از نقش سازنده‌ی آموزش و پرورش در رشد و توسعه‌ی خانواده و اجتماع، قانونی و رسمی شدن انجمن اولیا و مربیان و داشتن ضمانت اجرایی، مشارکت رسمی سازمان‌های دولتی در تأمین قسمتی از نیازهای آموزشی، ایجاد

کمیت‌های همکاری مردم برای ارائه‌ی تجربیات به مدرسه می‌تواند در جلب مشارکت‌های مردمی در مسائل آموزش و پرورش مؤثر باشد (احمدی و بایستی، ۱۳۷۸: ۵۶-۴۳).

سبحانی‌نژاد و یوزباشی نیز در پژوهشی (۱۳۹۲)، با عنوان «بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان» در پی شناسایی موانع خانوادگی مشارکت اولیا برآمدند. نتایج این پژوهش حاکی از این است: اقتصاد خانواده بر عدم مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس نقشی بیشتر از سایر متغیرها دارد و پس از آن به ترتیب مقوله‌های فرهنگ خانواده، سطح تعامل خانواده، رعایت علایق دانش‌آموزان و مشکلات خانوادگی قرار دارند (سبحانی‌نژاد و یوزباشی، ۱۳۹۲: ۳۷۸-۳۶۱).

یافته‌های پژوهش نیز توسط یزدخواستی و عباس‌زاده (۱۳۸۶)، تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین دانش‌آموزان در امور مدرسه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان شرقی» نشان می‌دهد مشارکت اولیا بیش از هر متغیری از عوامل روانی تاثیر پذیرفته‌است؛ همچنین متغیرهای ساختاری، درآمد، عامل رسانه‌ای و سن بر میزان مشارکت اولیا تأثیرگذار بوده است (یزدخواستی و عباس‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۵-۴۲).

ب) تحقیقات خارجی

یافته‌های پژوهش چان^۱ (۱۹۹۷)، درباره‌ی مشارکت والدین در شوراهای مدارس نشان می‌دهد عوامل مختلف همچون آمادگی و پذیرش متقابل بین والدین و معلمان، تعهد به مشارکت، رضایت والدین از مشارکت خود و سهم و کمک مالی والدین به مدرسه دارای ارتباط مستقیم با عمل موفقیت‌آمیز شوراهای مدرسه هستند.

یافته‌های پژوهش فلچر^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، درباره‌ی دانش‌آموزان پاسفیک نشان می‌دهد والدین به‌عنوان عامل اساسی برون سازمانی و معلمان به‌عنوان عوامل درون سازمانی، نقشی قابل توجه در پیشرفت تحصیلی کودکان دارند و در واقع بدون مشارکت فعال و مداوم والدین مدارس به اهداف حقیقی خود دست نمی‌یابند.

یافته‌های پژوهش چانگ کونگ و مینگ‌لی^۳ (۲۰۰۸)، پیرامون همکاری بین مدرسه و اولیا در تقویت سواد اطلاعاتی نشان می‌دهد والدین با مدارس مشارکت چند گانه دارند و

¹ Chane

² Feltcher

³ Cheung Kong and Ming Li

همچنین نمرات درسی دانش‌آموزان به‌طور مستقیم با رفتار پدر و مادر با مدارس ارتباط دارد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت اولیا در امور مدارس یکی از زمینه‌های مشارکت است که سبب می‌شود اولیا با دخالت در امور فرزندان بر سرنوشت خود و جامعه تأثیر بگذارند و در جهت توسعه‌ی اجتماعی گام بردارند.

رویکردهای مشارکتی، مشارکت را به‌عنوان فرایندی عمیق در ابعاد متنوع و چندگانه بررسی می‌نمایند. مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده با ابعاد وسیع است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه عمومی از سطح پایین تا سطوح بالاتر می‌باشد. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربردارنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت روانی از نظر روانشناسان اجتماعی دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است و در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها و شکستن عقاید قالبی نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید (غفاری، ۱۳۸۶: ۳۱)؛ لذا مشارکت اولیا در امور مدارس نیز یکی از انواع مشارکت است، که می‌توان آن را تلفیقی از مشارکت اجتماعی و روانی تلقی نمود. اولیای دانش‌آموزان با مشارکت در امور مدارس فرزندانشان در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی در مدارس و در واقع در آینده‌ی فرزندانشان و جامعه دخالت می‌کنند، بدین منظور آن‌ها، افکار و عقایدی که مانع رسیدن به هدف‌های گروهی است را کنار گذاشته و همدیگر را یاری می‌دهند و در مسئولیت کار شریک می‌شوند. پارادیم ترکیبی با نگاهی کل‌گرایانه مشارکت را به‌عنوان واقعیت اجتماعی قلمداد می‌کند و به اثرگذاری و رابطه‌ی تعاملی کنشگران و ساختارهای اجتماعی توجه نموده و سعی دارد از هر گونه تقلیل‌گرایی به عاملیت یا ساختار اجتماعی اجتناب نماید. به همین جهت پژوهش فوق با استفاده از پارادایم ترکیبی، عوامل مختلف مؤثر بر مشارکت اولیا را در سطوح فردی و کلان بررسی می‌نماید.

یکی از شناخته شده‌ترین و جامع‌ترین نظریاتی که در جهت تلفیق عاملیت و ساختار برآمده است و می‌توان از آن برای تبیین مشارکت بهره جست، نظریه‌ی ساخت‌یابی گیدنز است.

از نظر گیدنز تقسیم‌بندی اساسی در جامعه‌شناسی و نظریه‌ی اجتماعی تفکیکی است که میان دو رویکرد به تحلیل اجتماعی وجود دارد: رویکرد عامل‌محور و ساختارمحور. رویکرد اول به افراد، مقاصد و نیت‌ها، انگیزه‌ها، باورها و ارزش‌ها، به منزله‌ی عوامل شکل‌دهنده به حیات اجتماعی توجه دارد. رویکرد دوم برای تبیین زندگی فردی و اجتماعی بر فرایندهایی همچون پوشش‌های سازمانی یا طبقاتی تأکید دارد (سیدمن، ۱۳۹۲). جان کلام نظریه‌ی ساخت‌یابی روشن کردن رابطه‌ی متقابل، دیالکتیکی و دوگانه عاملیت و ساختار است. بدین‌سان عاملیت و ساختار را نمی‌توان جدا از هم تصور کرد، آن‌ها دو روی یک سکه‌اند. هر کنش اجتماعی دربرگیرنده‌ی ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. فعالیت‌های انسانی را کنشگران اجتماعی به وجود نمی‌آورند، بلکه این فعالیت‌ها از طریق همان راه‌هایی که انسان‌ها خودشان را به‌عنوان کنشگر مطرح می‌سازند، پیوسته باز ایجاد می‌شود. عوامل انسانی از طریق فعالیت‌هایشان شرایطی را به وجود می‌آورند که این فعالیت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۰۲).

با در نظر گرفتن دو عنصر عاملیت و ساختار در مشارکت اولیا دو دسته از عوامل اجتماعی دخیل هستند. دسته‌ی اول را متغیرهایی تشکیل می‌دهند که در سطوح کلان هستند و کنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و دسته‌ی دوم ویژگی‌های شخصی افراد و فرایندهای تصمیم‌گیری که منجر به کنش می‌شود. نظریه‌های مرتبط با ویژگی‌های مشارکت والدین را در دو سطح کلان و خرد بیان می‌کنیم.

ویژگی‌های سطح کلان

اعتماد نهادی

نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تحلیل خود را بر ویژگی‌های کلان اجتماعی متمرکز می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی در افراد انگیزشی ایجاد می‌کند که عاملی برای مشارکت است. اعتماد، اولین جز سرمایه‌ی اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. در میان انواع اعتماد افراد می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرایند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد.

گیدنز اساس نظریه‌اش را در خصوص نهادهای مدرن، به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی مرتبط می‌داند و معتقد است، در شرایط نوسازی آینده همیشه باز است و باز بودن آینده را به بازناندیشی دانش و ارتباط آن با عملکردهای اجتماعی سازمان‌دهنده وابسته می‌داند. یعنی کنشگران غیر متخصص به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌ورزند. گیدنز رویکردهای اعتمادیابی به نظام‌های خاص را تحت تأثیر شدید تجربه‌های افراد از نقاط دسترسی و همین‌طور دانش‌هایی می‌داند که از طریق رسانه‌های ارتباطی و دیگر منابع در دسترس افراد قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۷). از این لحاظ در ارتباط با مشارکت والدین یکی از نقاط دسترسی، جلسات انجمن اولیا و مربیان است و همین جلسات به واسطه‌ی نوع تعامل مسئولان مدارس با اولیا می‌توانند بستری را برای بی‌اعتمادی یا اعتماد به مدارس فراهم کنند.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

پایگاه اجتماعی - اقتصادی تعیین‌کننده‌ی دو عامل مهم یعنی شیوه‌ی زندگی و فرصت‌های زندگی است. شیوه‌ی زندگی همان نحوه‌ی اندیشیدن درباره‌ی دنیای اجتماعی است که شامل سوگیری کلی نسبت به موضوعات انسانی بنیادی، اهداف، ارزش‌ها، سازمان‌دهی اجتماعی و نحوه‌ی ابراز و بیان هر یک از آن‌ها است. فرصت‌های زندگی شامل تمام امکانات و تمهیداتی است که در کل چرخه‌ی زندگی فرد وجود دارد (هیلر^۱، ۱۹۶۹: ۲۴۹). و بر فرصت‌های زندگی را امکاناتی می‌داند که یک شخص از لحاظ برخورداری از ثروت و شرایط مادی و غیر مادی زندگی دارد (تأمین، ۱۳۷۵: ۹۳). اولیایی که نیازهای تحصیلی عاطفی نوجوانان را می‌شناسند، حساسیت بیشتری به نحوه‌ی تربیت آن‌ها دارند، بیشتر پیگیر امور تحصیلی و پرورشی فرزندشان هستند و برای آشنایی آن‌ها با ارزش‌های ملی و دینی ارج قائل‌اند و در پی آن انتظاراتی را نیز از مدارس دارند به همین جهت مشارکت را نه تفنن و یا اجبار بلکه وظیفه تلقی می‌کنند و لذا مبادرت به انجام کنش مشارکتی می‌کنند.

بی‌قدرتی

مرتون همه‌ی صور اختلالات رفتاری از قبیل انحراف، نابهنجاری و بیگانگی را نه یک مسئله‌ی آسیب روانی و نه یک مسئله‌ی خاص فردی، بلکه به‌عنوان یک مسئله‌ی برخاسته

^۱ Hiller

از ساخت اجتماعی عنوان می‌کند. مرتون دو جنبه یا دو بعد از سیستم اجتماعی و فرهنگی را مشخص می‌کند: ۱- اهداف، انتظارات، آرزوها، ارزش‌های فرهنگی؛ ۲- جاده، راه‌ها و وسایل و اسباب حصول به این اهداف که معمولاً در هر فرهنگی تنظیم و کنترل شده است. مرتن هر نوع رفتار کجرو و نابهنجار را ناشی از جدایی و گسستگی و عدم ارتباط فعال بین آنچه را که فرهنگ جامعه به‌عنوان هدف و آرزو خواسته و ارزش تبلیغ و نشر می‌کند و آنچه را که جامعه به‌عنوان جاده‌ها، راه‌ها و وسایل مشروع جهت نیل و وصول به این اهداف مهیا و آماده می‌سازد، عنوان می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۷۳-۷۵). نظریه‌های مربوط به از خود بیگانگی و بی‌قدرتی به تصور و حالتی از افراد توجه می‌کند که انسان‌ها خود را قادر به کنترل محیط و جامعه‌ی خود نمی‌دانند در نتیجه احساس تعلقی نیز به محیط و جامعه‌ی خود ندارند در نتیجه رغبتی نیز به مشارکت نشان نمی‌دهند. بر این اساس در مشارکت والدین قدرت و یا بی‌قدرتی آنها عاملی مهم در نظر گرفته می‌شود.

باورهای قالبی

کولین عنوان می‌کند، مشارکت باید در کارکردهای زندگی اجتماعی تأثیر بگذارد و از طریق تأثیر بر نظام قدرت تبدیل به نوعی قدرت گردد. وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت تأکید دارد، از نظر او مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به‌عبارتی مشارکت قبل از اینکه نمود عینی پیدا کند پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و خلاصه در فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته‌ی ذهنی را دگرگون کرد (کولین^۱، ۱۹۸۶). به بیان دیگر باورها و قالب‌هایی از پیش‌ساخته در خصوص مشارکت در مدرسه، در ذهن اولیا وجود دارد که فاقد پایه و اساس منطقی است و در اثر سوابق قبلی از مشارکت و حضور در مدرسه یا بر اساس گمان‌ها و پنداشته‌های بی‌پایه و اساس خود و اطرافیان بدست آمده است. باورهای قالبی حضور، ابراز عقاید و همکاری اولیا را با مشکل مواجه می‌کند.

^۱ colin

ویژگی‌های سطح خرد

تمایل فرد به مشارکت

یکی از چارچوب‌هایی که برای تبیین رفتار مطرح شده است نظریه‌ی کنش موجه یا عقلانی فیش باین و آیزن^۱ است. آن‌ها در پی یافتن یک تئوری برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند: به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار قصد و نیت به انجام یک رفتار است. بوجود آمدن قصد و نیت به نوبه‌ی خود تابع دو متغیر دیگر است: ۱- گرایش به سوی آن رفتار، ۲- هنجار ذهنی.

گرایش به سوی رفتار یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار (یا یک پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است.

هنجار ذهنی نیز منعکس‌کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک کاری (رفتاری) احساس و ادراک می‌کند. میزان تأثیر هر یک از این دو متغیر (گرایش و هنجار ذهنی) در بوجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۹).

لذا بر اساس این نظریه، نیت و قصد افراد تأثیر مستقیمی بر رفتار، از جمله رفتار مشارکتی دارد. اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شوند که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج، دست به انتخاب منطقی می‌زنند و برای این انتخاب از اطلاعات در دسترس استفاده می‌کنند (کورمارک^۲، ۱۹۹۹).

البته به جز قصد و نیت، عواملی همچون انتظارات افراد از یک کنش، ارزیابی او از کنش، انگیزه‌ی فرد برای برآوردن انتظارات دیگران و میزان اقدام به چنان کنشی در گذشته نیز از عوامل تأثیرگذار بر میزان تمایل فرد به مشارکت می‌باشد.

خودآثر بخشی

نظریه‌ی یادگیری اجتماعی در مقایسه با سایر نظریات یادگیری، چند جنبه‌ی متمایز دارد. مطابق این نظریه مجموعه‌ای از عوامل شخصی، رفتاری و موقعیتی (محیطی) به طرز پیوسته جهت تعیین آنچه ما فکر می‌کنیم و آنچه ما انجام می‌دهیم در نظر گرفته می‌شود. این نظریه تأکید زیادی بر نقش عوامل محیط اجتماعی در یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد. دو زمینه‌ای که در آن یادگیری رخ می‌دهد، محیط فیزیکی و زمینه‌ی

^۱ Fishbein & Ajzen

^۲ Cormark

اجتماعی است. زمینه‌ی فیزیکی به بعد مادی حوزه‌ی رفتار اشاره دارد و زمینه‌ی اجتماعی نیز به حضور و مشارکت واقعی یا ضمنی دیگران در حین یادگیری تأکید می‌نماید (فتحی، ۱۳۸۴: ۸۵؛ به نقل از بلالی). در واقع در تئوری یادگیری اجتماعی بندورا بر فرایند جامعه‌پذیری افراد تأکید می‌شود. در این نظریه بر تعیین کننده‌های فردی رفتار مانند: عقیده، نگرش و انگیزه و تعیین کننده‌های بیرونی رفتار مانند: شیوه‌های تجدید قوای اجتماعی و فیزیکی تأکید شده است. در این نظریه اظهار می‌گردد که تئوری رفتار، تنها متأثر از تجربه‌ی فرد نیست، بلکه با مشاهده‌ی رفتار دیگران نیز یادگیری انجام می‌شود (ویه جالمسون^۱، ۱۹۹۸).

همچنین بر اساس این نظریه، دانش و مهارت برای ارائه‌ی عملکرد مناسب کافی نیست، لذا جنبه‌ی متمایز دیگر در نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، نقش برجسته‌ای است که این نظریه به توانایی خود تنظیمی می‌دهد. آدمی با آراستن و سازماندهی علل محیطی تولید حمایت‌های شناختی و تعیین پیامدهای کنش، می‌تواند به کنترل رفتارش دست یابد (باندورا، ۱۳۷۸: ۲۵).

باندورا در تئوری خود نقش سه مکانیسم عمده را در خودتنظیمی رفتار نشان می‌دهد:

۱- باورهای خوداثربخشی (قضاوت فرد در مورد توانایی‌اش جهت انجام رفتار خاص) که به‌طور ویژه به انگیزش و کنش نسبت داده می‌شود؛ ۲- انتظار نتیجه (باورها در مورد نتایج حاصل از انجام رفتار خاص) که ممکن است در برخی شرایط تأثیرات آن افزوده گردد؛ ۳- اهداف و نیت‌های فرد (جهت مشارکت در رفتار خاص یا دستیابی به بعضی از سطوح فعالیت) رفتار را رهبری و حمایت می‌کند. در این تئوری نیت در خودتنظیمی رفتار نقش اصلی دارند (دزوایتوسکی^۲، ۱۹۹۰).

انسان‌ها در طول زندگی باورهایی را درباره‌ی خود و پدیده‌های پیرامونی کسب می‌کنند، باورهای خوداثربخشی از جمله باورهایی هستند که نقش بنیادین در کیفیت زندگی و ایجاد تعادل و توازن بین ابعاد مختلف زندگی انسان دارند. خوداثربخشی به معنای باور فرد در مورد توانایی مقابله او در موقعیت‌های ویژه است که به الگوهای فکری، رفتاری، هیجانی انسان در سطوح مختلف تجربه‌ی انسانی تأثیرگذار است و تعیین کننده این است که آیا رفتاری شروع خواهد شد یا خیر و اگر شروع شد فرد تا چه اندازه برای انجام آن

¹ Vihl Jalmsson

² Dzewartowski

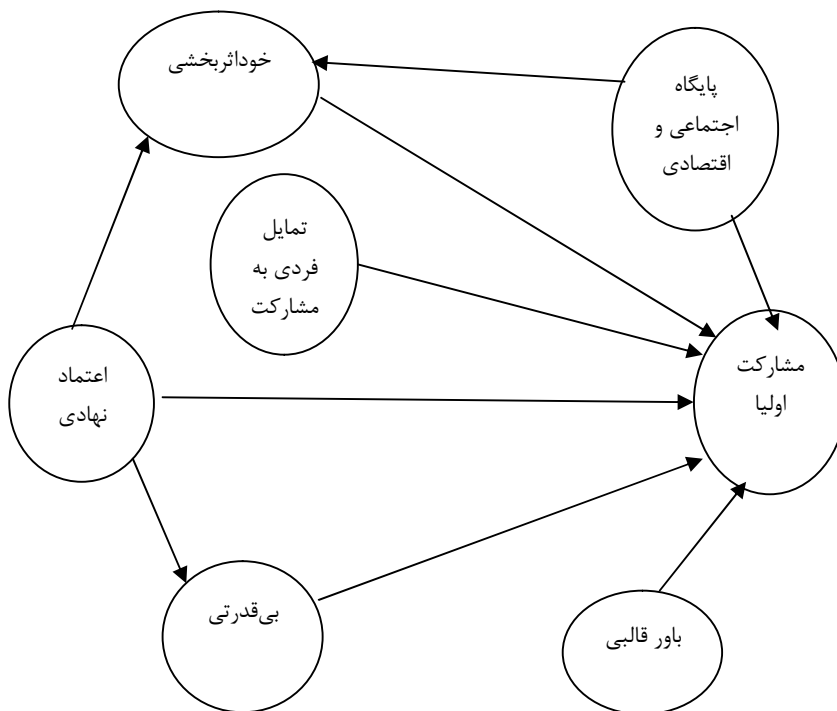
تلاش خواهد کرد و در رویارویی با مشکل تا چه مقدار استقامت از خود نشان خواهد داد (باندورا، ۲۰۰۶).

اولیایی که دارای خوداثربخشی بالا هستند، با دیدگاهی مبتنی بر تأثیرگذاری، میل درونی و گرایش شدیدی نسبت به مشارکت دارند. زیرا باور به اثربخش بودن فعالیت‌ها آن‌ها را برای رویارویی با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و مشکلات آماده می‌کند و به آن‌ها توانایی کنترل این موقعیت‌ها را می‌دهد. در نقطه‌ی مقابل، اولیایی که به قابلیت‌های خود از منظر تردید می‌نگرند رغبتی برای حضور در فعالیت‌های مشارکتی مدارس ندارند.

الگوی تحلیلی و فرضیات پژوهش

با استناد به نظریه‌ی گیدنز که از آن برای تبیین مشارکت اولیا استفاده شده است، می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در سطح عاملان و در سطح ساختار بر کنش مؤثرند که رابطه‌ی تعاملی این دو با هم سبب کنش می‌شود. برای مشارکت نیز برخی عوامل در سطح ساختار مؤثرند و برخی عوامل به ویژگی‌های شخصی افراد مربوط است. انباشت منابع بالقوه و بالفعل (مانند تخصص و مهارت) که در روابط میان افراد تجسم می‌یابد، روابط افراد را به شیوه‌ای دگرگون می‌نماید که کنش را تسهیل کند. در این میان اعتماد نهادی از انتزاعی‌ترین انواع اعتماد است که در کنش و واکنش در سازمان‌ها از موارد بااهمیت و تأثیر گذار است. در صورت بالا بودن اعتماد اولیا به نهاد آموزش و پرورش و مدیران و مسئولان آن در ادارات و مدرسه، اولیا دیدگاه بازتری نسبت به مشارکت در امور مدارس دارند. پس اعتماد نهادی در افزایش یا کاهش مشارکت اولیا تأثیرگذار است. از طرف دیگر نیز پایگاه اجتماعی - اقتصادی اولیا از عواملی است که تعیین‌کننده‌ی میزان مشارکت اولیا می‌باشد. دلیل این امر این است که طبقات بالاتر در اجتماع، از تحصیلات و درآمد بالاتری برخوردارند و همین امر می‌تواند عاملی برای حضور بیشتر و فعالانه‌تر آن‌ها در در اجتماع و در مدارس فرزندانشان باشد. بر اساس نظریه‌ی کولین نیز می‌توان گفت بین میزان پذیرش باورهای قالبی و رفتارهای مشارکتی اولیا رابطه وجود دارد و اولیایی که باورهای قالبی بیشتری را پذیرفته‌اند مشارکت در امور مدارس را با دید منفی نگاه می‌کنند بنابراین مشارکت کمتری در امور دارند؛ همچنین بر اساس نظریه‌ی بیگانگی مرتون مادامی که افراد جامعه از اهداف اجتماعی و وسایل نهادی شده، جهت نیل بدان خرسند و مستغنی نباشند، توازن و نظم و بهنجاری در جامعه حاکم نیست و در نتیجه این شرایط بی‌قدرتی بر فرد مستولی می‌گردد. به منظور تبیین مشارکت اولیا باید گفت در صورتی که

والدین تصور کنند بین آنچه آن‌ها می‌اندیشند و آنچه در آئین‌نامه و مقررات آموزش و پرورش و شیوه‌ی مدیریت مدیران شکاف و فاصله وجود دارد و سبب بی‌قدرتی آن‌ها در بیان و اعمال نظراتشان گردیده، لذا تعلق و مسئولیتی در قبال امور مدارس احساس نمی‌کنند، در نتیجه میزان مشارکت آن‌ها در امور کاهش می‌یابد. بر اساس نظریه‌ی فیش باین - آیزن گرایش خود فرد بر رفتارش تأثیر می‌گذارد و دیگر اینکه دیگران مهم یعنی افرادی که بر رفتار اولیا تأثیر می‌گذارند و می‌توانند با داشتن نگرش مثبت یا منفی و همچنین حمایت و عدم حمایت از فرد میزان مشارکت وی را تحت تأثیر قرار دهند. در نهایت نیز بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی افراد برای انجام رفتارهایشان آتوان خودشان را ارزیابی می‌کنند و انتظار اثربخشی دارند. این انتظار اثربخشی می‌تواند در افزایش یا کاهش مشارکت اولیا در امور مدارس تأثیرگذار باشد. الگوی زیر بر اساس روابط بین این متغیرها طراحی شده است.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر بر اساس این الگو عبارت‌اند از:

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد نهادی اولیا و میزان مشارکت آن‌ها در امور مدارس رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان بی‌قدرتی اولیا و میزان مشارکت آن‌ها در امور مدارس رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان تمایل فردی اولیا و میزان مشارکت آن‌ها در امور مدارس رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان خوداثربخشی و میزان مشارکت آن‌ها در امور مدارس رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد باورهای قالبی اولیا از طریق بی‌قدرتی آن‌ها بر میزان مشارکتشان تأثیر می‌گذارد.
- ۶- به نظر می‌رسد پایگاه اجتماعی و اقتصادی اولیا از طریق خوداثربخشی آن‌ها بر میزان مشارکت اولیا تأثیر می‌گذارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش پژوهش پیمایشی و نوع آن کاربردی می‌باشد.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی اولیای دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه در نواحی دوگانه‌ی آموزش و پرورش شهر همدان می‌باشد، که مطابق با آمار دریافت شده از سازمان آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در ناحیه‌ی یک ۶۸۰۰ و در ناحیه‌ی دو ۶۰۱۹ دانش‌آموز دختر در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم مشغول به تحصیل می‌باشند که از این میان با استفاده از فرمول کوکران (اشتباه قابل قبول = 0.05)، کمیت t با ضریب $(1/96)$ تعداد ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه‌ی نهایی انتخاب شد؛ همچنین شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است.

جدول ۱: لیست مدارس نمونه‌ی آماری پژوهش

منطقه	نوع مدرسه	نام مدرسه	جمعیت مدرسه	تعداد نمونه‌ی انتخابی
منطقه‌ی یک	عادی	نرگس	۴۲۷	۳۲
	هیئت امنایی	طالقانی	۵۱۲	۳۱
	نمونه دولتی	آمنه	۴۸۲	۳۰
	شاهد	شاهد	۴۵۱	۲۹
منطقه‌ی دو	عادی	حجاب	۳۱۵	۲۲
	هیئت امنایی	مهدیه	۴۳۶	۳۸
	نمونه دولتی	حجه فروش	۴۷۷	۳۲
	شاهد	شهدای جاویدالانتر	۴۵۲	۲۹

پایایی و اعتبار اندازه‌گیری

برای اندازه‌گیری اعتبار صوری وسیله‌ی اندازه‌گیری از نظرات اساتید جامعه‌شناسی و کارشناسان آموزش و پرورش، همچنین به منظور همچنین برای تعیین اعتبار سازه‌ای^۱ متغیرها از تحلیل عاملی^۲ استفاده شده است (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی مشارکت اولیا

بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	گویه	
دسته‌ی ششم	دسته‌ی پنجم	دسته‌ی چهارم	دسته‌ی سوم	دسته‌ی دوم	دسته‌ی اول		
					۰/۸۵۹	بازدید از مراکز صنعتی	بعد اول (امور اجتماعی)
					۰/۸۵۶	بازدید از مراکز علمی	
					۰/۸۰۲	بازدید از فرهنگ‌سراها	
					۰/۷۳۵	شرکت در جشن عاطفه	
					۰/۵۷۷	شرکت در راهپیمایی	

^۱ construct validity

^۲ factor analysis

بار عاملی دسته ششم	بار عاملی دسته پنجم	بار عاملی دسته چهارم	بار عاملی دسته سوم	بار عاملی دسته دوم	بار عاملی دسته اول	گویه	
				۰/۷۸۹		گردش علمی	بعد دوم (امور پرورشی)
				۰/۷۴۱		گردش تفریحی	
				۰/۶۵۱		جشنواره‌ی علمی	
				۰/۱۹۳		مسابقات ورزشی	
				۰/۶۵۱		مسابقات علمی	
			۰/۷۵۱			برگزاری امتحانات	بعد سوم (امور آموزشی)
			۰/۷۵۰			تشکیل کلاس جبرانی	
			۰/۷۴۵			تنظیم برنامه‌ی هفتگی کلاس‌ها	
			۰/۶۹۵			تشکیل کلاس تقویتی	
			۰/۶۸۳			تکالیف درسی	
			۰/۰۶۶			کنجکاوی محیط زندگی	بعد چهارم (ارتباط خانه و مدرسه)
		۰/۷۹۸				مطالعه‌ی غیر درسی	
		۰/۷۸۱				ارتباط با مشاور	
		۰/۶۱۰				بازدید از نمایشگاه کاردستی	
	۰/۷۷۸					بزرگداشت مقام معلم	بعد پنجم (ارتباط با کارکنان و دانش‌آموزان)
	۰/۷۵۳					تقدیر از خیرین مدرسه‌ساز	
	۰/۷۰۶					همکاری در جشن‌ها و مراسم مدرسه	
	۰/۶۱۹					کمک به دانش‌آموزان بی‌بضاعت	
۰/۸۴۹						میزان کمک مالی	بعد ششم
۰/۵۶۲						میزان ارتباط با معلم	(امور مالی)

در این پژوهش برای اندازه‌گیری پایایی از آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است. در پژوهش حاضر قبل از تدوین پرسشنامه‌ی نهایی آزمون مقدماتی با ۳۰ پرسشنامه در مدارس دوره‌ی دوم متوسطه دخترانه ناحیه‌ی ۱ و ۲ انجام شد، پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات و محاسبه‌ی آلفای کرونباخ گویه‌هایی که همبستگی معنی‌دار با سایر گویه‌های همان شاخص داشتند مورد تحلیل نهایی قرار داده شد و گویه‌های دارای همبستگی کم حذف گردید.

جدول ۳: نتایج آزمون پایایی گویه‌ها

شاخص	تعداد گویه	مقدار آلفا قبل از تحلیل عاملی (پیش آزمون)	مقدار آلفا بعد از تحلیل عاملی
مشارکت اولیا	۲۵	۰/۸۵	۰/۹۰
تمایل فردی	۹	۰/۵۷	۰/۶۳
اعتماد نهادی	۴	۰/۷۹	۰/۹۲
بی‌قدرتی	۳	۰/۶۵	۰/۷۳
خوداثربخشی	۵	۰/۶۹	۰/۷۶
باورهای قالبی	۱۱	۰/۷۵	۰/۸۲
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۷	۰/۴۹	۰/۶۳

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

در نمونه‌ی آماری انتخاب شده از اولیا ۷۵/۶ درصد را زنان و ۲۴/۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد مربوط به سن پاسخگویان در گروه سنی ۳۳-۴۳ قرار دارد که ۶۳/۵ درصد از جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهد و کمترین درصد مربوط به سن پاسخگویان در گروه سنی ۵۴ به بالا با میزان ۲/۴ درصد است. اکثر والدین پاسخگو یعنی ۹۷/۶ درصد متأهل هستند و ۲۴/۴ درصد را والدینی تشکیل می‌دهند که همسرشان فوت کرده است و هیچ موردی از زوجین طلاق گرفته مشاهده نشده است. در حدود ۳۰/۴ درصد والدین پاسخگو تحصیلات زیر دیپلم دارند، بیشتر والدین پاسخگو با ۴۳/۶ درصد از جمعیت نمونه، تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم دارند، ۲۰/۸ درصد از آن‌ها تحصیلات لیسانس و ۴/۸ درصد سطح تحصیلاتشان فوق لیسانس است و تنها درصد کمی در حدود

^۱ Cronbach Alpha

۰/۴ درصد تحصیلات دکترا و بالاتر دارند؛ همچنین ۶ درصد از اولیا میزان درآمد خانواده را کمتر از یک میلیون تومان، ۵۴/۴ درصد از پاسخگویان درآمد بین یک تا دو میلیون تومان، ۳۰/۴ درصد از پاسخگویان درآمد ۲ تا سه میلیون تومان و ۸/۸ درصد نیز درآمد بالای سه میلیون تومان را گزارش کردند.

جدول ۴: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
مشارکت اولیا	۲/۵۱	۰/۹۳	۱	۴
اعتماد نهادی	۲/۶۵	۰/۹۸	۱	۴
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۲/۴۶	۰/۹۶	۱	۴
تمایل به مشارکت	۲/۵۲	۰/۸۹	۱	۴
بی‌قدرتی	۲/۵۳	۱/۰۷	۱	۴
باورهای قالبی	۲/۴۸	۰/۹۳	۱	۴
خوداثربخشی	۲/۵۷	۰/۹۵	۱	۴

وضعیت مشارکت و ابعاد آن در میان پاسخگویان

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ۱۳/۶ درصد از پاسخگویان دارای سطح مشارکت پایین، ۳۵/۶ درصد از پاسخگویان دارای سطح مشارکت متوسط پایین، ۳۰/۴ از پاسخگویان دارای سطح مشارکت متوسط بالا و ۱۶ درصد از آنها مشارکت بالایی داشته‌اند.

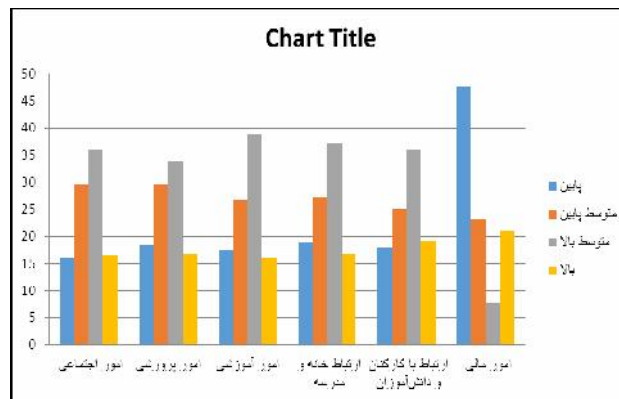
جدول ۵: تحلیل وضعیت مشارکت اولیا

مشارکت	فراوانی	درصد
پایین	۳۴	۱۳/۶
متوسط پایین	۸۹	۳۵/۶
متوسط بالا	۷۶	۳۰/۴
بالا	۴۰	۱۶
جمع	۲۳۹	۹۵/۶
بی‌پاسخ	۱۱	۴/۴
جمع کل	۲۵۰	۱۰۰

در میان ابعاد مشارکت اولیا در امور مدارس، بالاترین میزان مشارکت اولیا در امور آموزشی (۳۸/۸ درصد) و پایین‌ترین میزان مشارکت در امور مالی (۴۷/۶ درصد) است؛ این نشان می‌دهد که اولیا رشد و پیشرفت فرزندشان را در گرو وضعیت تحصیلی بهتر و نمرات بالاتر می‌دانند لذا در امور آموزشی مشارکت بیشتری دارند. نمودار زیر مشارکت اولیا را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۶: فراوانی و درصد ابعاد مشارکت اولیا

مشارکت اولیا	فراوانی و درصد	پایین	متوسط پایین	متوسط بالا	بالا	جمع	بی‌پاسخ	جمع کل
امور اجتماعی	فراوانی	۴۰	۷۴	۹۰	۴۱	۲۴۷	۵	۲۵۰
	درصد	۱۶	۲۹/۶	۳۶	۱۶/۴	۹۸/۸	۱/۲	۱۰۰
امور پرورشی	فراوانی	۴۶	۷۴	۸۵	۴۲	۲۴۷	۳	۲۵۰
	درصد	۱۸/۴	۲۹/۶	۳۴	۱۶/۸	۹۸/۸	۱/۲	۱۰۰
امور آموزشی	فراوانی	۴۴	۶۷	۹۷	۴۰	۲۴۸	۲	۲۵۰
	درصد	۱۷/۶	۲۶/۸	۳۸/۸	۱۶	۹۹/۲	۰/۸	۱۰۰
ارتباط خانه و مدرسه	فراوانی	۴۷	۶۸	۹۳	۴۲	۲۵۰	۰	۲۵۰
	درصد	۱۸/۸	۲۷/۲	۳۷/۲	۱۶/۸	۱۰۰	۰	۱۰۰
ارتباط با کارکنان و دانش‌آموزان	فراوانی	۴۵	۶۳	۹۰	۴۸	۲۴۶	۴	۲۵۰
	درصد	۱۸	۲۵/۲	۳۶	۱۹/۲	۹۸/۴	۱/۶	۱۰۰
امور مالی	فراوانی	۱۱۹	۵۸	۱۹	۵۳	۲۴۹	۱	۲۵۰
	درصد	۴۷/۶	۲۳/۲	۷/۶	۲۱/۲	۹۹/۶	۰/۴	۱۰۰



نمودار ۱: توزیع درصد ابعاد مشارکت اولیا

در مورد پایین بودن مشارکت مالی نیز، با توجه به متغیرهایی که میزان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند (جدول ۷). باید بگوییم تمایل شناختی باعث افزایش مشارکت در تمام ابعاد به جز امور مالی می‌شود یعنی شناخت و آگاهی اولیا از شرایط مدرسه تأثیری بر میزان مشارکت مالی آن‌ها نمی‌گذارد، شاید علت این باشد که بدلیل دولتی بودن مدارس مورد پژوهش، اولیا گمان می‌کنند چون بخشی از بودجه‌ی دولتی و درآمد ملی صرف هزینه‌های مدارس می‌شود و برای تأمین نیازها کفایت؛ لذا نیازهای مالی مدارس باید از سوی دولت تأمین شود و مطالبات مالی مدرسه را غیر ضروری می‌دانند و خود را موظف به پرداخت نمی‌دانند ولی در سایر ابعاد مشارکت جو هستند، در ضمن با توجه به اینکه سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بین ابعاد مشارکت اولیا تنها با امور مالی ارتباط معنادار و مستقیم دارد و بیشتر پاسخگویان در این پژوهش از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در سطح متوسط پایین هستند، لذا می‌توان پایین بودن مشارکت در امور مالی را به سطح پایین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نامناسب بودن شرایط اقتصادی منتسب کرد.

جدول ۷: تحلیل وضعیت مشارکت مالی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	شدت همبستگی
مشارکت مالی	تمایل شناختی	کای اسکوئر	۰/۸۶۷	۰/۰۶۸
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	کای اسکوئر	۰/۰۰۰	۰/۵۷

یافته‌های تحلیلی

ارتباط جنسیت و مشارکت اولیاء

نتایج آماری نشان داده که تفاوت میانگین میزان مشارکت بین زنان و مردان معنی‌دار نیست و ممکن است ناشی از تصادف باشد، پس در مدارس دخترانه پدران و مادران به یک اندازه‌ی مشارکت می‌کنند، لذا شاهد تقسیم کار جنسیتی در مشارکت اولیا نیستیم.

بررسی وضعیت مشارکت اولیاء بر حسب نوع مدرسه

بر اساس آزمون تفاوت میانگین مشارکت در بین مدارس مختلف، مدارس هیئت امنایی بیشترین میزان مشارکت را دارند. بارزترین تفاوت میان مدارس هیئت امنایی با سایرین در شیوه‌ی اداره و مدیریت این مدارس است که توسط هیئت امنای می‌باشد که به نظر می‌رسد چون شیوه‌ی اتخاذ تصمیمات در این مدارس گروهی است، تصمیمات منعطف

و خالی از یک جانبه‌نگری است، شاید به واسطه‌ی این شرایط است که، اولیا در ابراز نظرات اختیارات بیشتری دارند و رأی و نظر آن‌ها بیش‌تر مورد اقبال قرار می‌گیرد و همین امر عاملی برای افزایش میزان مشارکتشان شده است.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه میزان مشارکت اولیا بین مدارس مختلف

نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	قدار آماره و سطح معنی‌داری
عادی	۵۰	۷۶/۶۶	۲۱/۵۳۵	سطح معنی‌داری
هیئت امنایی	۵۷	۸۹/۹۴۷	۱۷/۸۵۳	۰/۰۰۴
نمونه دولتی	۶۳	۸۶/۰۲۹	۲۰/۴۵۳	
شاهد	۶۹	۸۴/۷۳	۱۹/۹۷۴	
کل	۲۳۹	۸۵/۲۳	۲۰/۴۰۹	

آزمون فرضیات

در این بخش به بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی مشارکت اولیا اشاره می‌شود.

آزمون فرضیه اول: اعتماد نهادی و مشارکت اولیا

با توجه به اینکه میزان اعتماد نهادی و مشارکت اولیا هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه‌ی آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار r پیرسون برابر ۰/۲۸۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر اعتماد نهادی و مشارکت اولیا رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه دوم: بی‌قدرتی و مشارکت اولیا

میزان بی‌قدرتی و مشارکت اولیا هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه‌ی آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مقدار r پیرسون برابر ۰/۱۷۰ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۹ است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر بی‌قدرتی و مشارکت اولیا رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر

اولیایی که به واسطه‌ی احساس بی‌قدرتی گمان می‌کنند عملشان بی‌تأثیر است و نتایج مورد نظر را برآورده نمی‌سازد، مشارکت کمتری در امور مدارس دارند.

آزمون فرضیه سوم: تمایل فردی و مشارکت اولیا

در مورد رابطه‌ی بین متغیرهای تمایل فردی و مشارکت اولیا، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از این است که مقدار r پیرسون برابر $0/192$ و سطح معنی‌داری $0/000$ است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر تمایل فردی و مشارکت اولیا رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم: خوداثربخشی و مشارکت اولیا

با توجه به اینکه میزان خوداثربخشی و مشارکت اولیا هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه‌ی آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار r پیرسون برابر $0/229$ و سطح معنی‌داری $0/000$ است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر خوداثربخشی و مشارکت اولیا رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود. هر چقدر اولیا به توانمندی‌هایشان برای مشارکت باور داشته باشند و قضاوتشان مبتنی بر خوداثربخشی باشد مشارکت بیشتری در امور مدارس خواهند داشت.

آزمون فرضیه پنجم: باورهای قالبی و مشارکت اولیا

میزان باورهای قالبی و مشارکت اولیا هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه‌ی آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مقدار r پیرسون برابر $-0/111$ و سطح معنی‌داری $0/009$ است. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر باورهای قالبی و مشارکت اولیا رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و فرضیه‌ی تحقیق رد می‌شود.

آزمون فرضیه ششم: پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت اولیا

در مورد رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت اولیا، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از این است که مقدار r پیرسون برابر $0/114$ و سطح معنی‌داری

۰/۱۲۷ است. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت اولیا رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و فرضیه‌ی تحقیق رد می‌شود؛ به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی - اقتصادی اولیا تعیین‌کننده‌ی میزان مشارکت آن‌ها در امور مدارس نیست و نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم اولیا از پایگاه بالاتر مشارکت بیشتر داشته باشند.

رگرسیون چند متغیری

به منظور مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اولیا) به تحلیل رگرسیونی روابط بین متغیرها پرداخته‌ایم و از میان متغیرهای پژوهش، ۶ متغیر اعتماد نهادی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بی‌قدرتی، تمایل فردی، باورهای قالبی، خوداثربخشی به‌عنوان متغیرهای مستقل انتخاب و در مدل رگرسیون وارد شدند. اطلاعات مربوط به مدل‌های ارائه شده ناشی از رگرسیون به روش گام به گام نشان می‌دهد:

متغیر اعتماد نهادی در سطح ۹۹ درصد ($sig= ۰/۰۰۰$) و متغیر خوداثربخشی در سطح ۹۵ درصد ($sig= ۰/۰۰۹$) معنادار است و میزان خطای سایر متغیرها بیش‌تر از $۰/۰۵$ بوده‌اند و به همین دلیل وارد معادله‌ی رگرسیون نشده‌اند. ضریب تبیین معمولی $=۰/۱۵۸$ و R^2 و ضریب تبیین اصلاح شده $R^2=۰/۱۶۴$ است به این معنا که دو متغیر خوداثربخشی و اعتماد نهادی ۱۶ درصد از تغییرات مشارکت اولیا را پیش‌بینی می‌کنند و خوداثربخشی و اعتماد نهادی به ترتیب با بتای $۰/۲۷$ و $۰/۲۳$ بالاترین میزان تأثیر را بر مشارکت اولیا دارد. معادله‌ی رگرسیون، بر اساس جدول ۷ به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$Y=۳۶/۳۰۲+۱/۲۵۷(\text{اعتماد نهادی})+۱/۳۱۳(\text{خوداثربخشی})$$

جدول ۹: آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیری میزان مشارکت اولیا

متغیر مستقل	بتا	t	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه
خوداثربخشی	۰/۲۷۶	۳/۸۳۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۸
اعتماد نهادی	۰/۲۳۶	۳/۲۷۷	۰/۰۰۱	۰/۱۶۴

بحث و نتیجه‌گیری

در جامعه‌ی ما طی سال‌های گذشته بحث مشارکت مورد توجه‌ی سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار گرفته است، چون امروزه کارکردهای آموزش و پرورش تغییر کرده و گسترده شده لذا به منظور انجام صحیح این کارکردها نیازمند مشارکت اولیا است. برای اینکه مشارکت اولیا هدفمند انجام شود و شکل صوری نداشته باشد لازم است تا عوامل مؤثر بر آن از جمله عوامل اجتماعی مورد بحث قرار بگیرد. در نتیجه با این پرسش مواجهه‌ایم که وضعیت مشارکت اولیا به چه صورت است؟ و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن کدامند؟

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر میزان مشارکت زنان و مردان تفاوتی ندارد و در بین مدارس مورد پژوهش مدارس هیئت امنایی بالاترین میزان مشارکت را دارند؛ همچنین در بین ابعاد مشارکت اولیا در مدارس، کمترین میزان مشارکت در امور مالی و بیشترین میزان در امور آموزشی است. در بین متغیرهای مستقل پژوهش نیز خوداثربخشی و اعتماد نهادی توانسته‌اند ۱۶ درصد از تغییرات مشارکت اولیا را تحت تأثیر قرار دهند.

در آخر طبق نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌توان گفت: متولیان امر آموزش و پرورش و مسئولین برای جلب مشارکت اولیا در امور مدارس بایستی اعتماد آن‌ها را جلب نمود تا بدانند به آن‌ها نگاه ابزاری ندارند و به آنها گوشزد نمود، حضورشان صرفاً برای دریافت کمک‌های مادی نیست و نیازمند تخصص‌ها و قابلیت‌هایشان در زمینه‌های مختلف نیز می‌باشیم، چرا که زمینه‌های حضور و همکاری آن‌ها در مدارس افزایش یافته است همچنین تلاش شود تا با فراهم آوردن امکانات و آموزش‌هایی افراد در موقعیت بهتری قرار بگیرند و از توانایی‌های خود شناخت بیشتری داشته باشند.

فهرست منابع:

- احمدی، غلامرضا و بایستی، عنایت‌الله (۱۳۸۷). "بررسی شیوه‌های مشارکت مؤثر مردم در مسائل آموزش و پرورش نواحی چهارده گانه‌ی شیراز از نظر معلمان و استادان"، دانش و پژوهش، شماره‌ی ۱.
- باندورا، آلبرت (۱۳۷۸). نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، تهران: نشر رهگشا.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: نشر ارغنون.
- رجائی‌پور، سعید؛ فرهنگ، ابوالقاسم؛ آقاحسینی، تقی و قلاوندی، حسن (۱۳۸۸). "بررسی راه‌های بهبود مناسبات خانه و مدرسه از دیدگاه آموزگاران"، علوم تربیتی و روانشناسی، شماره‌ی ۱.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). "مشارکت اجتماعی؛ هدف یا ابزار توسعه"، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌ی ۱۰۹.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۹۲). "بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه‌ی شهر اصفهان"، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، شماره‌ی ۳.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۲). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شهرزاد بخشایش، فاطمه (۱۳۹۱). "رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین"، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۵.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
- فتحی، سروش (۱۳۸۴). "بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر گرایش به ورزش در بین دانشجویان ورزشکار (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران)"، فصلنامه‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، شماره‌ی ۴.

فلاحتی، لیلا (۱۳۸۳). عوامل مرتبط با مشارکتهای مردمی در آموزش و پرورش و راههای افزایش آن در استان همدان، پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت همدان.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

میرکمالی، محمد (۱۳۷۹). روابط انسانی در آموزشگاه، تهران: نشر سیطرون.

محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). "بیگانگی مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲.

یزدخواستی، بهجت و عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۶). "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین

دانش‌آموزان در امور مدرسه‌ای؛ دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی استان آذربایجان شرقی"،

مجله‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، شماره‌ی ۳.

Bandura, A. (2006). "Adolescent development from and agnatic prespective", INF, pajares and T. Urdan (Eds), self-efficacy beliefs of adolescent, pp: 143-146.

Chan, B., Hong Sh. (1997). "Parental participation in schools councils in Victoria, Australia, international", journal of educational management .vol.11 iss :33pp.102-110

Cheung, K., Siu; M. Li, K. (2008). "Collaboration between school and parents to foster information literacy: Learning in the information society"; available at <http://www.elsevier.com>.

Colin, R. (1986). The institutionalization of participate development in: Participation in development. Paris: UNESCO.

Dzewaitowski D., A., Nobel, J., M., Shawjeef, M. (1990). "Physical activity cognitive theory versus theories of reasonal action and planneal behaviour", journal of sport & Exersice psychology, 12: 388-405.

Fletcher, J.; Parkhil, F.; Fa'afai, A.; Taleni, Leali'ie'e T.; O'Regan, B. (2008). "Pacifica students: teachers and parents voice their perceptions of what provides supports and barriers to Pacifica students' achievement in literacy and learning"; available at <http://www.elsevier.com>.

Gonzalez, D., Alyssa, R., Williems P., Doan, H., M. (2005). "Examining the relationship between parental Involvement and

student Motivation”, Educational psychology Review, Vol 17, No 2.

Heller, Celia S. (1969). Structured social inequality: a reader in comparative social stratification, Macmillan,

Mc Cormack Brown, K. (1999). Theory of reasoned action / Theory of planned, behavior. [En ligne]. Disponible : http://hsc.usf.edu/~kmbrown/TRA_TPB.htm

Steinberg, L., Lamborn, S. D., Dornbusch, S. M. Darling, N. (1992). "Impact of parenting practices on adolescent achievement: authoritative parenting, school involvement and encouragement to succeed", Child Dev. 63.

Vihijalmsson, R., Therfur, Th. (1998). “Facturs related to physical activity, a study of adolescents”, journal social science and medicine.

Vihijalmsson, R., Therfur, Th. (1998). “Facturs related to physical activity, a study of adolescents”, journal social science and medicine.